

دادرسی‌های بین‌المللی

تعارض صلاحیت

بین دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی

جلد چهارم

تألیف

دکتر سیدباقر میرعباسی

استاد تمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

دکتر علی ایزدی

انتشارات جنگل

سرشناسه	میرعباسی، سید باقر
عنوان و نام پدیدآور	دادرسی‌های بین‌المللی تعارض صلاحیت بین دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی /
مشخصات نشر	تألیف: سید باقر میرعباسی، علی ایزدی
مشخصات ظاهری	تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۴
شابک	ج: ۲-۳۴۹-۳۱۶-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فایپا
یادداشت	فهرست‌نویسی بر اساس جلد سوم، ۱۳۸۸.
یادداشت	ج: ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۴) (فایپا)
یادداشت	بالای عنوان: دادرسی‌های بین‌المللی
عنوان دیگر	ج: ۴. تعارض صلاحیت بین دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی
موضوع	دادگری‌های بین‌المللی
موضوع	دیوان بین‌المللی دادگستری
موضوع	دادگاه‌ها بین‌المللی
شناسه افزوده	ری بین‌المللی
رده‌بندی کنگره	ایزدی، علی
رده‌بندی دیویی	ی: ۳۸۰.۱۶۲۰۳۴۶۲۷ KZ۶۲۷
شماره کتابشناسی ملی	۳۴۱/۵۵۲
	۱۹۳۵۷۲۹



عنوان کتاب: دادرسی‌های بین‌المللی تعارض صلاحیت بین دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی (جلد چهارم)

تألیف: دکتر سید باقر میرعباسی، دکتر علی ایزدی

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظر فنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۵

قطع و تیراژ: وزیری، ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۶۰۰۰۰ ریال

شابک: ۲-۳۴۹-۳۱۶-۶۰۰-۹۷۸

email: info@junglepub.org
<http://www.junglepub.org>

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۳۸۲-۶۶۴۹۰۴۶۵
۰۳۱-۳۳۲۰۵۰۶۷-۳۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

فهرست کلی مطالب

جلد چهارم

مقدمه

بخش اول: شبکه قضایی بین‌المللی و تعارضات ناشی از آن.....	۱
فصل اول: عزایش دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی.....	۳
فصل دوم: انواع تعارض.....	۱۷
بخش دوم: تعارض صلاحیت در رویه مراجع حل اختلاف بین‌المللی.....	۴۵
فصل اول: اشکال تعارض صلاحیت.....	۴۷
فصل دوم: عوامل تأثیرگذار بر ارایه دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی.....	۹۵
بخش سوم: راهکارهای رفع تعارض.....	۱۱۵
فصل اول: اقتباس از قواعد حل تعارض حاکم داخلی.....	۱۱۷
فصل دوم: سایر روش‌های بالقوه حل تعارض.....	۱۳۳
منابع و مآخذ.....	۱۷۵

مقدمه

جامعه بین‌المللی از نقطه نظر ساختاری به علت فقدان تمرکز و بهره‌مندی از قوهٔ عالیه قانونگذاری اصولاً جامعه‌ای غیر نهادین تلقی می‌شود که در چارچوب آن حقوق بین‌الملل مشتمل بر قواعد و مقرراتی است که تابعان نظام بین‌الملل خود آن را ایجاد کرده و به آن گردن می‌نهند. بنابراین قواعد حقوقی الزام‌آور بر دولت‌ها ریشه در ارادهٔ آزاد خود آن‌ها دارد که در کنوانسیون‌ها به منصهٔ ظهور رسیده یا بواسطهٔ عرف و اصول کلی حقوقی متجلی گردیده است. به علت فقدان اقتدارات مرکزی اعم از اجرایی، تقنینی و قضایی، موازین سازمانی در مرحلهٔ بسیار ابتدائی قرار دارد و متأثر از این ضعف‌های ساختاری و نهادی، فرآیند توسعهٔ حقوق بین‌الملل بطور عمده از پایین به بالا صورت گرفته به گونه‌ای که بخش اعظم قواعد، تأسیسات و تئوریات حقوقی از پایین و از مجرای دولت‌ها ظهور و بروز یافته است. بنابراین ماهیت غیرمتمرکز حقوق بین‌الملل نیز نتیجه اجتناب‌ناپذیر ساختار غیر متمرکز جامعه بین‌المللی است. به همین دلیل توسعه و رشد آن از ابتدا به صورت شاخه‌ای و تکه‌تکه بوده است فرآیندی که آن‌ها را با پیشرفت‌های چند دههٔ اخیر دشواری‌های خاص خود را پدید آورده است.

با پایان جنگ سرد همکاری بین کشورها به ویژه در قالب سازمان‌های بین‌المللی و موافقتنامه‌های منطقه‌ای افزایش یافت و سطح همبستگی و اعتماد پیدا کرد و متناسب با این تحولات قواعد و هنجارهای بین‌المللی گسترش پیدا کردند. هم‌اکنون، سیاسی و اقتصادی نهادهای جدیدی را می‌طلبید به خصوص نهادهای حل اختلاف که برای شفاف کردن تضمین اجرای مقررات ضروری است و لذا موجی از دادگاه‌ها و دیوان‌ها بین‌المللی شکل گرفت. دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای، نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، دیوان دائمی کیفری و دادگاه‌های تخصصی متعدد فعالیت خود را آغاز کردند و با تصمیماتشان به سهم خود به برقراری نظم، صلح، ثبات و عدالت در دنیای پر تلاطم کنونی کمک کردند. تحولات جدید اگرچه گام‌های ارزشمندی در راستای نهادمند کردن حقوق بین‌الملل و تثبیت حکومت قانون بودند اما به همراه خود دغدغه‌های جدیدی آوردند. دغدغه‌هایی از جنس تعارض که به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران تهدیدی برای انسجام حقوق بین‌الملل است.

به موازات افزایش دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی امکان بروز تعارض افزایش می‌یابد و

اساساً وقوع تعارض چه در بعد هنجاری و چه از بعد نهادی امری طبیعی است کما اینکه در جوامع داخلی نیز چنین تعارضاتی رخ می‌دهد و برای حل آن‌ها راهکارهایی پیش‌بینی می‌شود. منتهی در عرصه حقوق بین‌الملل به علت فقدان ساختار سلسله مراتبی و تعاملات بین دیوان‌ها این پدیده وضعیت غامضی پیدا می‌کند. حقوق بین‌الملل یک نظام حقوقی نامتمرکز و پراکنده است که در آن ایجاد، اعمال و اجرای هنجارها منطقی متفاوت از حقوق داخلی دارد. قانونگذار واحدی وجود ندارد و هنجارها در طیف متنوعی از حوزه‌ها از سوی تابعان حقوق بین‌الملل وضع می‌شود. خیلی از آن‌ها ارتباطی با همدیگر ندارند و مستقلاً بدین ترتیب نظامی ایجاد می‌گردد که از نظم منسجم حقوق داخلی متفاوت است. در حالی که حقوق داخلی با اختارهای نهادی و سلسله مراتبی قدرتمندی دارد نظم هنجاری بین‌المللی صرفاً از لابلای روابط دوجانبه دولت‌ها قابل مشاهده است. چنین وضعیتی به روابط نظام‌مند بین هنجارها نمانده و منتهی نمی‌شود و همین فقدان روابط نظام‌مند و فرآیند نامتمرکز قانونگذاری به بارزترین وجه تمایز حقوق بین‌الملل از حقوق داخلی است. حل بعضی از معضلات حقوقی را کشور می‌سازد.

اگرچه حقوق بین‌الملل از ابتدا پراکنده بوده حوزه‌های متعدد آن ارتباط چندانی با یکدیگر نداشته‌اند اما توسعه و حجیم‌تر شدن این حوزه‌ها این ویژگی را آشکارتر کرده است. توسعه‌ای که ابعاد هنجاری و سازمانی دارد. در بعد هنجاری حوزه‌هایی همچون حقوق بشر، حقوق تجارت، حقوق محیط زیست، حقوق بشردوستانه، حقوق کیفری و حقوق دریاها پدید آمده‌اند. این حوزه‌ها که از آن‌ها به رژیم تعبیر می‌شود به تدریج گستره‌ای از آیین‌های دادرسی را پدید آورده‌اند و مراجع حل اختلاف متعددی مانند نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، سازوکارهای حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاهای کاننسم‌های موافقتنامه‌های منطقه‌ای، دیوان‌های داوری ایکسید و... پدیدار گشته‌اند. بنابراین گستره‌ای از هنجارها و نهادها به منصفه ظهور رسیده‌اند که اکنون بیم آن می‌رود به خاطر بافت ویژه حقوق بین‌الملل که شرح آن رفت نظم موجود را برهم زده و به تعارضات لاینحل بینجامد. آن هم در فضایی که با یک حقوق بین‌الملل واحد مواجه نیستیم و به استثنای اصول کلی حقوقی، قواعد آمره، تعهدات منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی قلمرو اعمال خیلی از قواعد اولیه حقوق بین‌الملل جهانی نیست و غالب قواعد حقوق بین‌الملل بواسطه معاهدات دوجانبه، چند جانبه و منطقه‌ای، بر تابعان آن اعمال می‌شود.

با عنایت به فقدان ارگان‌های مرکزی قانونگذاری و قضایی در سطح بین‌المللی، مشاهده می‌شود که نهادهای قضائی بین‌المللی از لحاظ بحث صلاحیتی همچون جزیره‌های دورافتاده‌ای می‌مانند که ارتباط چندانی با یکدیگر ندارند. از آنجا که اقدام مؤثری چون تعاملات بین دادگاهی در فضای بین‌المللی وجود ندارد این امکان بطور قطع وجود دارد که دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی متفاوت، در خصوص حقوق بین‌الملل رویکردهای متفاوتی داشته باشند و از این رو نتوانند رویه قضائی همسانی را مدنظر قرار بدهند. دادگاه‌های بین‌المللی اکثراً در خصوص آراء صادره از مراجع همتای خود بی‌خبر هستند و در نتیجه، فرصت برای ساماندهی رسمی و غیررسمی و ردوبدل کردن اطلاعات بین محاکم بین‌المللی بسیار محدود است. تحت این شرایط سطح انسجام و یکدستی ناشی از عملکرد دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی طبق انتظار پایین می‌باشد. رؤسای سابق دیوان بین‌المللی دادگستری، قاضی گیوم و قاضی شریل در گزارش سالیانه خود در مجمع عمومی مبحث افزایش محاکم بین‌المللی را مطرح کردند. مارتین اونی خود را ابراز داشتند، آن‌ها معتقد بودند چنین فرآیندی انسجام موجود حقوق بین‌الملل را تهدید می‌کند. همین دغدغه‌ها زمینه‌ای را فراهم کرد تا یک سال پس از هشدار قاضی گیوم و معاقب درخواست مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر ضرورت بررسی‌های بیشتر در خصوص کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱، موضوع «چند پارگی: معضلات ناشی از تنوع و توسعه حقوق بین‌الملل» را در دستور کار خود قرار دهد که این امر به تنظیم گزارش‌هایی در این راستا انجامید. کارگروه مطالعاتی کمیسیون در این زمینه از همان ابتدا بعد نهادی و ساختاری مدنظر یعنی افزایش مراجع حل اختلاف را از قلمرو مطالعه خود خارج ساخت و تحقیق و بررسی‌ها را بطور کامل به تعارض هنجارها اختصاص داد و گزارش نهایی خود را در سال ۲۰۰۶ که میون ارائه کرد. با این اوصاف تحقیق پیرامون دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی ضرورت بیشتری می‌یابد تا روشن شود افزایش آیین‌های حل اختلاف چه تبعاتی به دنبال دارد.

به دلیل بافت ویژه حقوق بین‌الملل یک نظام قضائی بین‌المللی وجود ندارد که در آن دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی به تعامل با یکدیگر بپردازند و این امکان وجود دارد که بین صلاحیت این محاکم تعارض ایجاد شود به نحوی که یک اختلاف یا قسمت‌هایی از آن در بیش از یک مرجع حل اختلاف مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گیرد. بررسی اختلاف واحد در مراجع متعدد و به عبارتی دادرسی‌های چندگانه عوارض نامطلوبی از بعد زمان و هزینه

بر طرف‌های اختلاف تحمیل می‌کند، به اطلاع دادرسی دامن می‌زند، قطعیت احکام را زیر سؤال می‌برد و خطر صدور احکام متضاد را در پی دارد.

جهت بررسی تعارض قضایی و تعارض صلاحیت در دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی در این نوشتار، در سه بخش مجزا به بررسی موضوع خواهیم پرداخت. بخش اول با عنوان «شبكة قضایی بین‌المللی و تعارضات ناشی از آن» انعکاسی از وضعیت مراجع بین‌المللی حل اختلاف و تعارضات موجود در آن است. بخش اول شامل دو فصل است که در فصل اول تحت عنوان افزایش دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی، عوامل این افزایش و ماهیت نهادهای مذکور مطرح می‌شود. در فصل دوم، انواع تعارض مطرح می‌گردد تا بدین‌وسیله از اختلاط مفهومی بین حوزه‌ها به‌همچون تعارض رویه قضایی و تعارض صلاحیت‌ها جلوگیری شود. بخش دوم به تعارض صلاحیت‌ها در رویه مراجع حل اختلاف بین‌المللی اختصاص دارد تا مشخص شود دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی چگونه واکنش نشان می‌دهند که در فصل اول، تحت عنوان اشکال تعارض صلاحیت، موارد تعارض و همپوشانی بین سازوکارهای رژیم‌های حقوقی مختلف مورد بحث و تأمل قرار می‌گیرد. در فصل دوم، به عوامل تأثیرگذار بر نحوه واکنش و تصمیم‌گیری مراجع حل اختلاف در خصوص تعارضات صلاحیتی پرداخته می‌شود. این امر با تکیه بر اسناد مؤسس نهادهای قضایی و داورى صورت می‌گیرد. در بخش سوم که شامل دو فصل است راهکارهای محتمل برای رفع تعارض صلاحیت تبیین می‌گردد. در این راستا و در فصل اول، قابلیت انتقال قوادین تعارض حقوق داخلی مانند قاعده اعتبار امر مختومه، قاعده امر مطروحه و قاعده محکمه نه‌ناسب به حوزه حقوق بین‌الملل عام محور بحث را تشکیل می‌دهد و آنگاه در فصل دوم به سایر روش‌های بالقوه رفع تعارض اعم از اصلاحات ساختاری و کاربست اصول کلی حقوقی اشاره خواهد شد. این مجموعه بدون لطف و همکاری‌های بی‌دریغ و صمیمانه جناب آقای مجتبی سجاد، مدیر محترم انتشارات جنگل جاودانه و همه همکاران گرامی‌شان به خاطر پیگیری‌های مستمر به ثمر نمی‌رسید. از همگی این بزرگواران و عزیزان، صمیمانه و خالصانه سپاسگزاری می‌نماید.

دکتر سید باقر میرعباسی (تنکابنی)

استاد تمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

و دکتر علی ایزدی